



مجلس شورای اسلامی

مسجد و مدرسه شهید بهشتی

(سپه سالار قدیم)

سید سعید میر محمد صادق



اشاره:

از افتخارات مجله مسجد، معرفی مساجد تاریخی ایران و جهان است. در این بخش سعی می‌شود ویژگی‌های مساجد همچون معماری و تاریخچه بنا، کتابخانه و امکانات جانبی، موقوفات و شریکان، ائمه جماعات، و فعالیتها و نقش اجتماع آنها شناخته شود.

همچنین، ارائه پژوهشهای علمی ویژه پاره‌ای رویدادهای تاریخی مساجد ایران و جهان، همواره مورد نظر بوده است. در این شماره، مسجد و مدرسه شهید بهشتی (سپه سالار قدیم) که از بناهای تاریخی و فرهنگی تهران در دوره قاجاریه به شمار می‌رود، بررسی می‌شود.

مسجد و مدرسه شهید بهشتی (سپه سالار قدیم)، از ساخته‌های قرن ۱۳ ه. ق است که در تهران، خیابان ناصرخسر و (ناصریه قدیم)، کوچه مقابل شمس‌العماره، کوچه مروی (کوچه حیاط شاه)، و در انتهای جنوبی کوچه قرار دارد، و از سمت مغرب پیوسته به مدرسه خان مروی است. پس از آنکه بنای مسجد و مدرسه میرزا حسین خان مشیرالدوله به اتمام رسید و به مسجد و مدرسه سپه سالار شهرت یافت، مسجد و مدرسه مرحوم میرزا محمدخان سپه سالار، به مسجد و مدرسه سپه سالار قدیم معروف شد.

بنای

این مسجد و مدرسه از آثار غیر و یادگار مرحوم میرزا محمدخان قاجار دولو کشیکچی باشی، پسر دوم امیرخان سردار و خالوزاده عباس میرزا نایب‌السلطنه است. وی در شمار افرادی بود که در زمان محمدشاه، برای سرکوبی عسکرهای شاه، حسینعلی میرزا و حسنعلی میرزا، راهی شیراز شدند. وی در سال ۱۲۶۸ ه. ق با داشتن منصب کشیکچی باشی یا سرکشیکچی باشی، به حکومت سمنان و دامغان رسید. در سال ۱۲۷۱ ه. ق، ناصرالدین شاه مأموریت سرحدات و کرمانشاه را با ۳۰ هزار نفر به او سپرد. در سال ۱۲۷۳ ه. ق، وی به جای مهرعلی خان شجاع‌الملک نوری، به فرماندهی قوای جنوب در جنگ انگلیس و ایران منصوب شد. در سال ۱۲۷۵ ه. ق و پس از عزل میرزا آقاسخان نوری، ناصرالدین شاه هیئت دولتی به ریاست میرزا جعفرخان مشیرالدوله تشکیل داد، که وزارت جنگ این هیئت بر عهده میرزا محمدخان بود. وی در همین سال، به سپه سالار مطلق شد. در سال ۱۲۷۶ ه. ق، وی علاوه بر سمتی که داشت، به عضویت شورای دولتی - که ناصرالدین شاه در این سال تشکیل داده بود - منصوب شد. او در سال ۱۲۸۰ ه. ق با لشکری برای سرکوب ترکمنها به گرگان رفت، و پس از بازگشت بیروزمندانگی، از طرف ناصرالدین شاه لقب سپه سالار اعظم گرفت. وی در سال ۱۲۸۱ ه. ق پس از درگذشت میرزا جعفرخان مشیرالدوله، از طرف شاه به مقام سفارت و ریاست دولت برگزیده شد. ولی ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۳ ه. ق به موجب دست خطی او را از صدارت عزل کرد و تا مدت زمان اندکی، کار او به وزارت جنگ ریزه شد و سرپرستی امور دیگری همچون وزارت داخله و بیروت سلطنت از او سلب گردید. در همین سال، در تشکیلات جدیدی که ناصرالدین شاه طراحی کرده بود، علاوه بر تصدی وزارت و ریاست قوا، اقله امور خراسان، سیستان، استرآباد، شاهرود، بهنگام، دماوند، فیروزکوه، کمره، جاجرم، نرند، خوار، سمنان و دامغان، به وی محول شد.

در این دوره، میرزا محمدخان سپه سالار فقط عدت کمی وزیر جنگ بود. در ماه ذیحجه همین سال، شاه او را به پیشکاری



و وزارت پسر سرد، سلطان حسین میرزا جلال‌الدوله والی خراسان و تولیت آستان قدس رضوی و برادر کهنش نعل السلطان، به خراسان فرستاد. در حقیقت، حکومت خراسان اسماً با جلال‌الدوله و رسماً با سپه سالار بود. ضمناً، حکمرانی خوار، سمنان، دامغان، شاهرود، بهنگام، استرآباد و سیستان ضمیمه حکومت خراسان شد، تصدی امور آنها به میرزا محمدخان سپه سالار واگذار گردید، و وزارت جنگ به حمزه میرزا احشمت‌الدوله رسید. از حکومت خراسان سپه سالار نیز پیش از ۲ ماه و اندکی نگذشت بود، که ناصرالدین شاه در ۱۲ صفر ۱۲۸۴ ه. ق وارد مشهد شد. در این هنگام، سپه سالار در کمال صحت و سلامت بود، ولی ۳ روز پس از ورود شاه به مشهد، ناگهان در ۱۷ ماه صفر درگذشت. شهرت داشت که ناصرالدین شاه با خوردن آن فیهوهٔ فحشیری، او را کشته است. معروف است که میرزا محمدخان سپه سالار پنهان معلوماتی نداشت، و از فحشیرهای دوباری بود. پسرانش،

محمد مهدی خان اعتضادالدوله و حسین خان اعتضادالملک، داماد شاه بودند. او مردی متدین، منظم و جدی بود و خط بسیار بد و تاخوانایی داشت.^۱



معماری

از بررسی بقایای به دست آمده یا آثار موجود مدارس قدیم، برمی آید که نقشه این نوع مدارس کاملاً شبیه مساجد چهار ایوانی است. اختلاف عمده مدارس کهن با مساجد چهار ایوانی را می توان در ترتیب اتاقها و ایوانهای کوچک آنها، در اطراف صحن مدارس دانست. در مساجد - صرف نظر از ایوان بزرگ وسط هر جبهه - دیگر قسمتهای اطراف صحن مشتمل بر شبستانهایی است که برای اقامه نماز در فصل زمستان یا محل اقامه نماز چندین امام جماعت احداث می کردند. از سوی دیگر، در مدارس قدیم عموماً غیر از ایوانهای ۴جانب صحن، بقیه جبهه ۴ سوی حیاط، حجره ها و اتاقهای مخصوص سکونت طلاب را در یک طبقه یا ۲ طبقه می ساختند و دوروی هر اتاق هم ایوان کوچکی ترتیب می دادند. چنین ساختاری به دلیل منظمتر بودن منظر داخلی مدارس قدیم و به لحاظ معماری

و رعایت زیبایی و تناسب بنا، بیشتر طرف توجه بستندگان واقع می شد. بلهیبی است، مدارس علوم دینی نیازمند محلی برای اقامه نماز بودند و عموماً به فراخور اهمیت هر مدرسه، مسجیدی نیز در آن ساخته می شد؛ همچنینکه در بعضی مساجد مهم و بزرگ نیز قسمتی را برای سکونت طلاب اختصاص می دادند یا مدرسه ای متصل به مسجد بنا می کردند. در عین حال، مدرسه علوم دینی ممکن است دارای شبستان، گنبد و مناره باشد. در گوشه و کنار محوطه مدرسه علوم دینی و به فراخور وضع محوطه آن، محللهایی برای تدریس طلاب (مدرس)، کتابخانه و دیگر نیازهای مدرسه ساخته می شد. از مدارس قدیم علوم دینی به صورت اصلی و اولیه که دارای جنبه تاریخی و اهمیت هنری - معماری مسجد و مدرسه باشد، تعداد زیادی در تهران باقی نمانده است، که از آن جمله می توان به مدرسه و مسجد سه سالار قدیم اشاره کرد.^۲

این مسجد و مدرسه دارای ۲ شبستان است که از یکی برای مسجد و از دیگری به عنوان مدرس، استفاده می شود. شبستان طولانی شرقی - غربی که در ضلع جنوبی این مکان قرار دارد و از آن به عنوان مسجد استفاده می شود، ستونهای سنگی بلند و استواری دارد که از نظر معماری شباهت توجیه است و اثر قابل ملاحظه ای می تواند باشد.^۳

شبستان دیگر که از آن به عنوان مدرس استفاده می شده، در ضلع شمالی قرار گرفته است که در داخل آن ۲۱ بیت شعر به خط عبدالحمین زرین قلم در مدح ناصرالدین شاه و محمدخان سه سالار مرقوم شده است:

فخست از فریزدانی دوم از بخت سلطانی

سه سالار کرد از نو بتا این کعبه نانی

به عهد خسرو آگه جهانیان ناصرالدین شه

که چون جد و پدر بر حضرتش ختم است سلطانی

شهنشاهی که در ملک جهان با حشمت و دولت

به فرایزدی افراشت رایات جهانانی

هر آن دولت که مقبولش، برآرد سر به آزادی

هر آن کشور که مردودش، گذارد رو به ویرانی

به برهان چنان او کند هر ذره خورشیدی

به خورشید جلال او کند هر ذره برهانی

سه سالار والا فر محمد اسم، نام آور

کز او این بنده را در خور بود تشریف احسانی

ظفر منشی که ارزد او به کار لشکر و کشور

مقام آصفی دارد به درگاه سلیمانی

به دست مکرمت رادی، بود میزان آزادی

به چشم مردمی شخص بود معدن انسانی

بود شیر قوی دل و اندر او آثار فیروزی

بود میر مجاهد اندر او تأیید یزدانی

علاگتر بود همواره از طبع سخا پرور

سخن پرور بود پیوسته از فرسخن دانی

به هر کشور که شیر پردلی بینی همس گوی

زهی میرمجاهد آن سپه سالار ایرانی

همایون مسجدی افراشت در طهران که از رفعت

یکی قندیل عالی سقف آن، خورشید نورانی

مبارک مسجدی از فرشته‌اش که ایوانش

چو قلب شه منور گشت از آیات قرآنی

بنای محکمی محراب اعلایی تعالی الله

که چون رکن وجود شه مثل در سخت ارکانی

در او ایمن همه دلها ز تخیلات و سراسی

در او فارغ همه جانها ز تسلیات نفسانی

ز ماه طلعت روشن روانان بلند اختر

ورا از روز روشن تر بود کاخ شیبستانی

پس تقدیس و تهلیل اندر آن پاکان قدوسی

همی تسبیح خوان آینه بردگد سبجانی

کسی را پای از رفعت به فرق فرقدان ساهد

که در وی از سرطاعت نهد بر خاک پیشانی

در اینجا موسی عمران شوی زاسراز الاهی

در اینجا عیسی مریم شوی زانفاس روحانی

غرض این کعبه مقصود و این عالی بنا مسجد

به سعی وی چو آمد باصفا از لطف ربانی

به فرایزد اول شاعر ملک عجم گفتا

که از سعی محمد شد بنا این کعبه ثانی

کعبه الفقیر المذنب عبدالحمین زرین قلب^۴.

این مدرسه ۱۹ حجره دارد که ۸ حجره آن در حال حاضر به

امور اداری و مدرس اختصاص یافته است.^۵ این مسجد و

مدرسه دارای صحن خوش طرحی است و سردر آن به ۲ منار

کوتاه مزین می باشد. این بنای مذهبیه در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۳۲

ه. ش. و ذیل شماره ۲۱۱، در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت

رسید.^۶

موقوفات

براساس تحقیقات به عمل آمده، این مسجد و مدرسه فقط

یک وقفنامه دارد، که متأسفانه اصل آن موجود نیست و فقط

سوادهایی از آن به دست آمده است. قدیمیترین سواد وقفنامه

مسجد و مدرسه سپه سالار قدیم^۷ که در کتابخانه سوره ابراهیم

باستان از آن نگهداری می شود، به صورت طومار و بر روی

پارچه نویسنده شده، و مورخ ۲ ربیع الثانی ۱۳۰۷ ه. ش. ق و

مصدق به مهر و تصدیق ۱۱ نفر شاهد است. سواد دیگر این

وقفنامه، مسودی است که توسط وزارت عدلیه در تاریخ

۱۳۱۴/۲/۲۹ ه. ش. تهیه شده است. ظاهراً، سواد نیز

درخسود اوقاف نگهداری می شود. براساس نص صریح

وقفنامه های موجود، میرزا محمدخان سپه سالار برای

مزیت های نگهداری و تعمیر مسجد و مدرسه و حقوق

مشولی، امام جماعت، مباشر، خدام و طلاب، اعیان موقوفه و

املاک و مستغلاتی را به قرار ذیل تعیین کرده است^۸:

۶ دانگ حمام مردانه و ۶ دانگ حمام زنانه متصل به یکدیگر

واقع در کوچه خدابنده لوها که هر دو را واقف از سرکار وزیر

نظام خریده بود. عرصه و اعیان ۶ دانگ حمام واقع در بیرون

قلعه شهر و متصل به باغ خود واقف، و عرصه و اعیان دکان

قصابی واقع در بیرون قلعه شهر متصل به زمین سادات اخوی که

از جنوب به خیابان و از شمال روبروی عمارت مرحوم واقف

بود. عرصه و اعیان تمام ۶ دانگ قریه کریم آباد^۹ که در بلوک غار

نزدیک به قریه معروف به غار متصل به حدود شکر آباد، ثوابین

و چشمه شاهی بود. تمام ۶ دانگ مزرعه اسماعیل آباد متصل به

قریه کریم آباد و تمامی ۳ سهم مشاع از ۵ سهم، شایعه از ۳

دانگ مشاع از تمام ۶ دانگ بازارچه مشهور به بازارچه مرحوم

آقا مهدی نواب طهرانی و متصل به بازارچه زرگرها واقع در



جنب سبزه میدان که کل بازارچه فوق مشتمل است بر ۳۶ باب

دکان و ۶ دکه و ۴ سکر و ۷ طاق - البته اعیان بلاعرصه است و

عرصه آن از موقوفات مدرسه مرحوم حکیم هاشم می باشد و

مایهی عرصه و اعیان است - به انضمام ۳ سهم مشاع از ۵ سهم و

۳ دانگ مشاع از ۶ دانگ یک باب دکان دیگر که واقع در بازار نو

نزدیک به دهته بازارچه فوق و قریب به دهته آن در سمت جنوب

بود.

براساس وقفنامه، میرزا محمدخان سپه سالار فتاحی را با

۱۰۸ ساعت آب، وقف بر صدفه جاریه کرده بود تا صرف

مصارف ذیل شود:

۴ سهم از ۹ سهم آن که عیارات است از ۲۸ ساعت

آب، می بایست برای سقایت و آب شرب محله های بیرون شهر

اعم از ختانه ها، باغچه ها، آب انبارها و حمامها بویژه حمام



وقف شده بر مدرسه و آب شرب باغ سرکار حاجی شریف خان - که هر دو در بیرون شهر است - مصرف شود، و زیادی آن را متولیان مدرسه و مسجد هر جا صلاح بدانند صرف کنند.

متولیان مسجد و مدرسه، ۲ سهم دیگر این قنات را آن عبارت از ۲۲ ساعت آب است، با مشور و معاوضات پولی که دریافت می کنند، صرف تعمیر قنات کنند و آن را دایر نگاه دارند. ۲ سهم دیگر آن (۲۴ ساعت آب) مخصوص محلهای نگهداری آب اهالی مدرسه، مسجد و خانه های واقع در اطراف آن و ۲ حمام موقوف بر مدرسه به قدر نیاز است. یک سهم دیگر قنات که آخرین سهم از ۹ سهم است، باید در کوچه و نهر خانه های مرحوم امام قلی خان و سرکار حاجی جعفر خان مصرف شود. تولیت این قنات تا زمان حیات واقف در اختیار خود او بود، ولی بعد از او و بر اساس وقفنامه، تولیت آن بر عهده متولی مدرسه قرار می گرفت. مرحوم سه سالار آسیابی نیز به روی نهر بیرون شهر ساعت، و آن را نیز وقف بر اهالی مدرسه و مسجد کرد.

منافع و عایدیه های املاک و رقبات فوق و بر اساس وقفنامه تنظیمی، باید به شرح ذیل تقسیم می گردید: حق التولیه عشر

از سهم مذکور، خرید حصیر و پتو و ... یک خمس از سهم مذکور.

مرحوم میرزا محمدخان سه سالار در وقفنامه خود تأکید کرده است که منافع رقبات و املاک باید ابتدا صرف این ۹ فقره حقوق شود. پس از وضع این حقوق، باید باقی مانده ابتدا در عمارت، املاک و مستغلات که محل منافع است و نیز مساجد و مدرسه، پتو و اسباب و جاروب و ... مصرف شود. پس از وضع این مخارج، آنچه باقی می ماند باید در میان طلبه هایی که به اصالت در مدرسه توقف دارند، تقسیم شود.^{۱۰}

آنچه از موقوفات ثبت شده - بر اساس فهرست اوقاف - باقی مانده است، عبارتند از:

۱. حمام به پلاک ۳۰۸۹، واقع در بخش ۲ تهران
۲. ۱۳ باب دکان به پلاکهای ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۵ تا ۹۲۷،
- ۱۰۱۶، ۱۰۲۱، ۱۰۲۳ تا ۱۰۲۵ و ۱۰۲۳ تا ۱۰۳۵، واقع در

بخش ۸ تهران

۳. ۵ باب امیانی دکان به پلاکهای ۱۳۲، ۹۳۵، ۹۳۷،
- ۱۰۱۵ و ۱۰۲۲، واقع در بخش ۸ تهران
۴. ۶ دانگ فریه کریم آباد غار به پلاک ۸۰

علاوه بر اماکن فوق، مرحوم میرزا محمد خان سه سالار ۳۶ فرد زیلو را به مسجد مدرسه سه سالار قدیم وقف کرده که هنوز تعدادی از آنها باقی مانده و بر روی آنها چنین منقوش است: «این فرد زیلو را با سی و پنج فرد دیگر وقف نمود سرکار سه سالار به جهت مدرسه و مسجد جدید البتای خود ربیع الثانی ۱۲۷۷»^{۱۱}.

متولیان بر اساس وقفنامه، کارهای تولیت مسجد و مدرسه و تصدی اعیان موقوفه از مدرسه و مسجد و تکیه و مستغلات، به استثنای تولیت حجره ها و تولیت کتابهای موقوفه، مادام الحیات با خود واقف و بعد از فوت او تولیت با اولاد پسر و فرزندان پسر از



تمام منافع، حق التدریس عشر تمام منافع، امام جماعت نیم عشر تمام منافع، مباشر از جهات متولی نیم عشر تمام منافع، خدام - ۳ نفر یا ۴ نفر - و خدام باشی نیم عشر تمام منافع، کتشدار کتب موقوفه ۳ عشر از نیم عشر تمام، منافع مؤذن ۳ عشر از نیم عشر تمام منافع، مخارج صرف خرید کتاب یا رونویسی از کتابها ربع عشر تمام منافع.

مسجد بیرون دروازه مرحوم واقف نیز یک سهم از ۲۱ سهم عایدی داشت که به فرار ذیل می بایست تقسیم می شد: امام جماعت ۲ خمس از سهم مذکور، مؤذن و خدام ۲ خمس

پسر است که به شرط رشد و اعتماد، بدلتها تعلق می گیرد. در صورت تساوی دو سن، تولیت می بایست به صالحترین و محترمترین فرد از این طبقه داده شود. در صورت انقراض فرزندان پسر از پسر، تولیت مسجد و مدرسه بر عهده اولاد پسر از فرزندان دختر است. در صورت انقراض هر دو نسل، واقف، تولیت را به ذوی القربای غیلبی نزدیک - به شرط رشد و اعتماد - داده است. چنانچه فرزندان پسر از واقف یا ذوی القربا وجود داشته باشند ولی هنوز به سن بلوغ و رشد نرسیده باشند، تولیت با ولی شرعی ایشان است.

با انقراض ذوی القربای نسبی، تولیت مسجد و مدرسه با شخصی عام، عادل و جامع علوم معقول و منقول دارالخلافه قرار گرفته است. در صورت نبود چنین فردی در دارالخلافه، تولیت با عالمی از اهلای دارالخلافه است که دارای حکم شرعی نافذ و مسلم باشد. در صورت فقدان عالم فوق در دارالخلافه، تولیت با مردی از اهلای دارالخلافه است که واجد شرط رشد و مورد اعتماد باشد و بتواند اعیان موقوفه را نگهداری و حفظ کند.

در صورت اختلاف در این موارد، تعیین متولی با مدرس شرعی مدرسه است. در صورت نبود مدرس مدرسه، تولیت با یکی از طلاب متدین مدرسه می باشد. در صورت فقدان آن نیز، این امر بر عهده مؤمنان و اربابان حل و عقد بی غرض دارالخلافه، قرار گرفته است. بر اساس وقفنامه، فقط مرحوم میرزا محمدخان سه سالار در اعمال و مصلحت بین و قضایات مسجد و مدرسه مستقل بود. طبق نص صریح وقفنامه، متولیان بعدی فقط در اعمال مستقل هستند، ولی امور مصلحتی می بایست با صوابدید مدرس مدرسه و باامضای ایشان باشد. بدون صوابدید و امضای مدرس مدرسه، اعمال متعلقه به تولیت بی اعتبار است.

بر اساس وقفنامه، متولی موظف است:

۱. در اصلاح مدرسه و دیگر اعیان موقوفه و اهتمام در امور مربوط به تولیت، کاملاً مواظبت کند.
۲. متولی می بایست از سزی خود، فردی را به عنوان نایب و مباشر برای رسیدگی به امور متعلقه به تولیت مینماید، و لازم نیست که خود مباشر این اعمال باشد.
۳. تعیین و نصب مفوس، امام جماعت، مباشر و خدام، با متولی است.

یکی از متولیان قدیم این مسجد و مدرسه، مرحوم سید عبدالله بهبهانی از پیشوایان بزرگ مشروطیت است. وی پسر مرحوم اسماعیل مجتهد بهبهانی (د. ۱۲۹۵ هـ. ق) بود. وی در سال ۱۲۶۲ هـ. ق در نجف به دنیا آمد، و در روز جمعه ۹ رجب ۱۳۲۸ هـ. ق در تهران و در منزل شخصی اش به قتل رسید.^{۱۱} متأسفانه، از دیگر متولیان این مدرسه چه قبل و چه بعد از او، اطلاعی به دست نیامده است. در فیل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تولیت مدرسه بر عهده شخصی به نام سالاری

بود. پس از انقلاب اسلامی، این مدرسه از سوی سازمان اوقاف در اختیار سازمان تبلیغات اسلامی قرار گرفت.^{۱۲}

مباشر

بر اساس مندرجات وقفنامه، متولی جهت رسیدگی به امور مستغلات و موقوفات مدرسه و مسجد، باید فردی را به عنوان مباشر انتخاب کند. مباشر نیز با رسیدگی به امور مستغلات و موقوفات، مداخله آنها را باید با اجازه متولی در طبقه

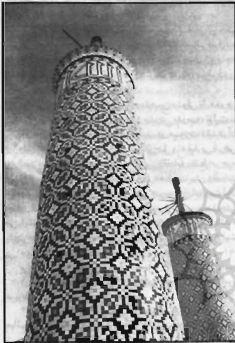


اول (فرزندان ذکور از نسل واقف) و به استثنای مدرس در سایر طبقات (فرزندان ذکور از دختر و ذوی القربای) به مصارف ذیل^{۱۳} برسانند.

۱. استخدام خدام مورد نیاز برای خدمت به مسجد و مدرسه و طلاب، به طوری که تعداد آنان نباید از ۳ نفر کمتر و از ۴ نفر بیشتر باشد، علاوه بر خدام، یک خادمیانی نیز احتیاج است. هزل و نصب خدام و خادمیانی، با شخص متولی است.
۲. انجام خدمات مربوط به ذکر مصیبت و غیره.^{۱۴}

کتاب شود، باید از عهدۀ قیمت یا مرمت آن برآیند.

۲. طلاب مدرسه، کتابهای وقف مدرسه را نمی‌توانند پیش از ۲ شبانه روز در خارج از مدرسه نگاه دارند.
 ۵. کتب وقفی مخصوص طلاب و دیگران باید در کتابخانه مدرسه نگهداری شود، مگر با مصلحت شرعی مدرس.^{۱۷}
- این کتابخانه در حال حاضر حدود ۱۳۵ جلد کتاب خطی، ۲ جلد چاپ سنگی و ۱۰۹۲ جلد چاپ حروفی دارد. هم‌اکنون کتابهای این کتابخانه، در کتابخانه مدرسه و مسجد مروی نگهداری می‌شود.^{۱۸}



وقایع تاریخی

۱. به مناسبت درگذشت مرحوم آقا شیخ محمدعلی ثقة الاسلام اصفهانی، مجالس بزرگداشتی در مساجد مختلف تهران از سوی دولت و علما برگزار شد.^{۱۹} از آن جمله، مجلس بزرگداشتی به سرپرستی سیدعبدالله بهبهانی در مسجد سه سالار قدیم منعقد شد. حاج شیخ زین العابدین امام جمعه که در مجلس ختم مسجد سیدعزیز الله از سوی حاج شیخ مهدی واعظ ملقب به سلطان المتکلمین مورد انتقاد قرار گرفت بود و کسوروتی از آن مجلس در دل داشت، طی پیامی به سید عبدالله بهبهانی تأکید کرد که واعظ این مجلس می‌بایست ملک

امام جماعت

بر اساس نیابت واقف، امام جماعت مسجد باید دارای تقوا و عدالت و نیز آشنا به مسائل مهم و لازم اعتقادی و احکام ضروری عملیه باشد. متولی از طبقه اول (فرزندان پسر از پسر) می‌تواند به طور مستقیم امام جماعت را منصوب کند، ولی در طبقات دیگر این امر باید به تأیید و امضای مدوس نیز باشد.

مرحوم میرزا محمدخان سه سالار، مسجد دیگری نیز در بیرون دروازه شمیران و محاذی منزل خود احداث کرده بود. بر اساس وقفنامه، امام جماعت آن مسجد نیز می‌بایست از طرف متولی مدرسه تعیین می‌شد. طبق مندرجات وقفنامه، امامان جماعت هر دو مسجد، باید در هر ۳ وقت نماز در مسجد حضور یابند. امام جماعت مسجد مدرسه نیابستی به اموری که مزاحم طلاب می‌شود، مشغول شود. امامان جماعت هر دو مسجد می‌بایست در سفرهای طولانی علاوه بر اجازه از متولی مدرسه، نایب عادل نیز از طرف خود معین کنند تا در هنگام سفر، در هر ۳ وقت نماز خوانده شود.^{۱۵} از امامان جماعت قدیم این مسجد که اطلاعی از او حاصل شد، میرزا حسینعلی، فرزند ملاشیر علی، است.^{۱۶} در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آیت الله حق شناس امام جماعت مسجد را بر عهدۀ داشت. بعد از وی، رسماً نماز جماعت تعطیل شده و نمازهای جماعت محدود به طلاب خود مدرسه است که توسط یکی از استادان یا یک نفر از طلاب اقامه و برپا می‌شود.^{۱۷}

کتابخانه

از وقفنامه مدرسه و مسجد سه سالار قدیم استفاده می‌شود، که تاریخ تأسیس کتابخانه با افتتاح بنای مدرسه و مسجد یکی است. میرزا محمدخان سه سالار برای استفاده طلاب مدرسه، چندین جلد کتب خطی و چاپی به مدرسه و بویژه حدود ۵۰ جلد کتاب بحارالانوار چاپی بر مطلق علما و طلاب وقت کرد.

مرحوم سه سالار عزل و نصب کتابدار را بر عهدۀ مدرس مدرسه قرار داد. مدرس می‌باید هر ۶ ماه یکبار در کتابخانه حاضر شود، کتابهای استرفاد را ببیند و هر یک را که نیاز به مرمت داشته باشد بازسازی کند. دو وقفنامه و ظایف کتابدار کتابخانه و گیرندگان کتاب، چنین تعیین شده است:

۱. کتابدار می‌بایست در حفظ کتابهای کتابخانه، کمال اهتمام را مرعی دارد.
۲. کتابدار می‌باید هر کتابی را که امانت می‌دهد علاوه بر گرفتن قبضه، به تعلیق مدرس مدرسه برساند.
۳. اگر طلاب هر یک از کتابهای وقفی را زیاد از حد معمول استفاده نمایند به طوری که این امر موجب خرابی و محسوس

الواعظین باشد. به هنگام ورود امام جمعه و صدرالفقهاء، به لحاظ ضیق جا پر خوردی میان اطرافیان علما در گرفت. در این هنگام نراه و حفاظ نگران شروع به خواندن سوره الرحمن کردند.

پس از قرائت سوره الرحمن، امام جمعه عسوات تا ملک الواعظین به منبر رود. در مقابل، مرحوم بهبهانی دستور داد تا سلطان المتکلمین روضه را بخواند. هنگامی که سلطان المتکلمین در صدد برآمد تا به منبر رود، یکی از ساموران امام جمعه درپای منبر مانع او شد. در همین هنگام، حدود ۵۰ نفر از اطرافیان امام جمعه با چوب، چماق و قناره به داخل مجلس ختم وارد شدند. به محض رسیدن این خشم به طلاب، آنان از حجره های خود خارج شدند و به همراه اطرافیان مرحوم بهبهانی، افراد امام جمعه را از اطراف و داخل مسجد پراکنده کردند.^{۲۰}

۲. به هنگام هجرت صفرا، عین الدوله برای تضعیف روحانیان مخالف و تشویق روحانیان دست نشانده، تولیت برخی از مساجد و مدارس را از مشروطه خواهان و طرفداران مشروطه گرفت و به اطرافیان دولتیان واگذار کرد. از این رو، تولیت مسجد و مدرسه سیه سالار قدیم که برعهده سید عبدالله بهبهانی بود، به میرزا حسن مدرس کرمانشاهی^{۲۱} سپرده



شد.^{۲۲} پس از گرفتن مدرسه و مسجد از سید عبدالله بهبهانی، وی درصدد گرفتن مجدد آن برآمد. لذا، عده ای به حمایت از سیدعبدالله بهبهانی، شبانه وارد مدرسه شدند. طلاب مدرسه نیز برای جلوگیری از خونریزی سکوت کردند و چند روزی از مدرسه رفتند. سپس، با وعده سید عبدالله بهبهانی و قول تأمین امنیت، مجدداً آنان به مدرسه بازگشتند. از سایر نهادهای پلیس خفیّه بر می آید که طلاب این مدرسه، چندان از مرحوم بهبهانی حریف نشوی نداشتند و می ترسیدند سید تقی اهرایی سرکرده افراد تحریک شده، بار دیگر مزاحم طلاب مدرسه شود.^{۲۳}

۳. پس از واقعه کرمان در سال ۱۳۲۳ ه. ق که مردم به

رهبری علمای همچون حاج میرزا محمد رضا طباطبائی در برابر ستم حکومت شاهزاده ظفرالسلطنه و رکن الدوله شورش کردند، فرمانفرس، حاکم وقت کرمان، برکنار شد. به لحاظ اهمیت موضوع، خطیبان و واعظان در مساجد به ذکر این واقعه پرداختند. از آن جمله، مجلسی نیز در مسجد و مدرسه سیه سالار قدیم برگزار شد.^{۲۴}

۴. پس از کشته شدن نصرت الدوله، پسر قوام الملک و یکی از مخالفان سرسخت مشروطه در فارس بویژه شیراز، توسط نعمت الله پروجری، مجلس بزرگداشتی برای او برگزار گردید. در این ختم به دستور پسر قوام، ۲ نفر از روحانیان شیراز به نامهای آقا شیخ محمدباقر و آقا شیخ احمد معین الاسلام کشته شدند. بدین مناسبت و به خاطر بزرگداشت این شهدا، سید عبدالله بهبهانی مجلس یادبودی در مسجد مدرسه سیه سالار قدیم برگزار کرد، و در آن مجلس تجید ۶ نفر از مسیبان آن جنابت را از شیراز خواستار شد.^{۲۵}

۵. در ۳ جمادی الاول سال ۱۳۲۶ ه. ق، حدود ۵۰۰ مخالف مشروطه و طرفدار مشروطه مشروعه به همراهی حاج شیخ فضل الله نوری و سید احمد طباطبائی، برادر طباطبائی مشروطه خواه، در حرم حضرت عبدالعظیم متحصن شدند. متحصنان برای اینکه دامنه نفوذ خود را توسعه دهند، پسر نقیب السادات را مأمور کردند تا در مسجد مدرسه سیه سالار مجلس روضه خوانی به همراه بساط چای و شیرینی برپا کند و مخالفان مشروطیت را گرد خود آورد. در اولین روزی که روضه خوانی برپا شد، یکی از واعظ ضد مشروطیت سخنرانی کرد. در این هنگام یکی از مشروطه خواهان که در میان جمع حضور داشت، به مخالفت برخاست و خطاب به واعظ و دیگر مشروطه خواهان با فریاد گفت: «شما دشمن ملت هستید و از راه بدخواهی به تحریکات دست زده اید، و می خواهید آزادی ملت را از میان ببرید». در پی این واکنش، زود خوردی میان مشروطه خواهان و مشروطه خواهان در گرفت. این خبر به مردم شهر رسید. جمعی از مشروطه طلبان به سوی مسجد آمدند و پسر نقیب السادات را دستگیر کردند. در این میان ژاندارمها مداخله کردند و به عنوان اینکه می خواهند پسر نقیب السادات را زندانی کنند، وی را از دست مشروطه خواهان خلاص کردند.^{۲۶}

مدرسان

تعیین مدرس برای مدرسه، برعهده متولی مدرسه و مسجد است. براساس نظر واقف، منصب مدرس این مدرسه باید به عالمی تقویض شود که در علوم عقلیه، الهیه و طبیعیّه تبحر داشته و در علوم نقلیه از نفع، تفسیر و حدیث صاحب نظر

مرمت نمودن آن، حق الکتابه و حفظ حق الکتابه، عزل و نصب کتابدارو دیگر امور مربوط به کتابها و کتابخانه، با مدرس مدرسه است. مدرس مختار است تا این امور را به امین مورد اطمینان خود واگذار کند.

۸. مدرس مدرسه در صورت تماثل، سالی یک کلام الله مجید تلاوت کند تا واقف از ثواب آن بهره مند شود.^{۲۷}

از مدرسان میرزا و بنام این مدرسه در دوره قاجاریه، آقا علی زوزی، پسر ملا عبدالله زوزی، حکیم معروف است. او که به استاد الاساتید و حکیم الهی معروف بود، قریب به ۲۰ سال در این مدرسه هم حکمت و هم کتب فقه استدلالی را تدریس می کرد، و کمتر کسی از علما و مدرسان معاصر در تهران - و شاید ایران - به پایه معلومات اومی رسید.^{۲۸} در وصف علم و دانش او آمده است: «در استخاره و تفال به قرآن کریم، نظری آنچنان صاحب دارد که اخبار از ضمیر و غایب می کند...»^{۲۹}.

سید احمد دیوان یکی شیرازی در کتابش می نویسد: «از هر کس شنیده ام، فضایل و کمالاتش را بی حصر گفت. و اکنون مطلقاً در طهران ایشان را آقای حکمی می گویند...»^{۳۰}.

آقا علی مدرس زوزی دارای تالیفات بسیاری است که از آن جمله می توان به کتابهایی همچون: بدائع الحکم - که در جواب بدیع الزمان میرزا حشمت السلطنه تألیف در سال ۱۳۰۲ هـ. ق در تهران چاپ شد - رساله ای در منطق در ۳ هزار بیت (سطر)، رساله ای در اثبات معاد جسمانی معروف به سیل

الرشاد فی اثبات المعاد در حدود ۱۵۰۰ بیت و حواشی و تعلیقات بر اسفار مرحوم صدرالتالین اشاره کرد.^{۳۱} وی شعر هم می سرود، و در اشعارش «مدرس» تخلص می کرد.^{۳۲}

آقا علی مدرس زوزی در شب شنبه ۱۷ ذی القعدة سال ۱۳۰۷ هـ. ق در تهران درگذشت، و در حضرت عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شد.^{۳۳} اعتماد السلطنه در یادداشت های روزانه خود به تاریخ سه شنبه ذی القعدة ۱۳۰۷ هـ. ق، در تجمیع از وی می نویسد: «شنبه شب شنبه هفدهم آقا علی حکمی به رحمت خدا رفته است. دیگر محال است این دور جفت آن بزرگوار بیرون آید... مسلمان و شیعه حقیقی که در این زمان بود، همان بود»^{۳۴}.

از دیگر مدرسان برجسته مدرسه، حیدرخان قاجار، شاکرد آقا علی مدرس زوزی، است. وی کتابهای حکمی، کلامی و ریاضی را استادانه تدریس می کرد. اعتماد السلطنه درباره او می نویسد: «از سالها در مدرسه حاج میرزا محمدخان سه سالار قاجار... آنرا گزیده، به ریاضت نفس، اخلاق ستوده و ملکات پسندیده به هم رسانیده، بلکه ذاتاً درویش صفت و فقر دوست و عارف پیشه و صوفی منش و وارسته و بی نین است»^{۳۵}.

از استادان این مدرسه در دوره پهلوی اول و دوم، می توان به آیت الله حاج میرزا احمد آشتیانی، چهارمین پسر حاج میرزا حسن آشتیانی، اشاره کرد. وی دارای ۶۲ جلد کتاب و رساله به زبانهای فارسی و عربی است، که از این تعداد ۲۷ جلد آن به

باشد. این مدرس موظف است:

۱. طلاب را به تحصیل ترغیب کند.

۲. طلابی که واجد شرایط تحصیل نیستند، از مدرسه اخراج کند.

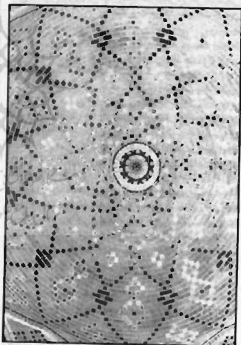
۳. در صورت وجود طلاب، مدرس می بایست ۳ درس از هر علم که باشد تدریس نماید.

۴. مدرس می بایست از چگونگی وضعیت طلاب نقیض نماید، و قبیل از نقیض نبایستی به آنان اجازه سکونت در حجره های مدرسه را بدهد.

۵. مدرس در تشریف حجره های طلاب و بیرون کردن برخی از آنان، مختار است.

۶. مدرس باید به قدر امکان به تدریس اشتغال داشته باشد و تدریس خود را تعطیل نکند. در صورت سفرهای طولانی، مدرس باید از سوزی خود نایی معین کند تا به هنگام مراجعت او به تدریس اشتغال داشته باشد.

۷. در امور متعلقه به کتابها و کتابخانه همچون تولیت کتابهای وقفی مخصوص طلاب مدرسه، گرفتن کتاب، خرید و



مدنی هم در دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ هـ، حاج شیخ محمدرضا نرایی خاترونی از مدرسان حوزه علمیه مشهد که برای معالجه به تهران آمده و در یکی از حجره‌های این مدرسه اقامت کرده بود، در این مدرسه تدریس می‌کرد. ۳۷ از مدرسان دیگر مدرسه می‌توان به شیخ مرتضی غسانی طالقانی، محمد عرفانی خوئی، میرزا محمدعلی مدرس تبریزی صاحب کتاب ریحانة الآداب، آیت الله جوادی آملی، علامه محمدتقی جعفری، آیت الله مرتضی مطهری و حجت الاسلام مشیریان اشاره کرد. در اقوال شفاهی نقل است که ملاهادی سبزواری و آیت الله بروجردی چند صباحی در این مدرسه حجره و تدریس داشتند. ۳۸

لازم به ذکر است، این مدرسه در حال حاضر به لحاظ نظام آموزشی از مدارس تابعه مدرسه مروی است، و برای تدریس در آن از وجود استادان جوان استفاده می‌شود.

وظایف طلاب

مرحوم میرزا محمدخان سپه سالار برای طلابی که در مدرسه تحصیل می‌کنند، شروط شرعی گذاشته که رعایت آن بر طلاب مدرسه واجب است:

۱. طلاب و محصلان مدرسه باید به قدر امکان متعارف، مشغول به تحصیل باشند.
۲. هرگاه یکی از طلاب از درس مدرس مدرسه بهره‌گافی حاصل کرد، نمی‌بایست دوس غیر مدرس را بر درس مدرس ترجیح دهد. طلاب مدرسه در صورت انتفاع علمی و عدم رجحان درس غیر علما، می‌بایست در یک مجلس درس مدرسه سپه سالار قدیم حاضر شوند تا در امور دینی مدرسه اختلال وارد نشود.
۳. طلاب در صورت اعتقاد به عدالت امام جماعت مسجد مدرسه و امکان عادی، می‌باید حداقل هفته‌ای یک مرتبه در نماز جماعت حاضر شوند.
۴. طلاب مدرسه نباید کسی را در حجره خویش بیش از ۱۰ روز نگاه دارند، مگر آنکه جزه محصلان و همچون طلاب مشغول تحصیل باشد. این فرد علاوه بر ۲ نفر دیگری که در آن حجره ساکن هستند، باید رخصت مدرس مدرسه را نیز کسب کند. براساس نظر واقف، رخصت یک نفر از صاحبان حجره و اجازه غیر صریح مدرس برای سکونت کافی نیست. افرادی که به روش مذکور ساکن باشند، باید از موقوف علیهم خارج شوند.
۵. در هر حجره بیشتر از ۲ نفر نباشد.
۶. طلاب نمی‌بایست معلم باشند.
۷. اذن توقف در حجره‌ها به اصالت یا عاریه، با مدرس مدرسه است.
۸. هر یک از طلاب و کسانی که در مدرسه توقف می‌کنند،

۹. کسانی که با مشرتابی، مدرس، امام جماعت یا مباشر

مدرسه از روی هوای نفس به لجسابت و مکاره برآیند، از موقوف علیهم باید خارج شوند.

۱۰. در صورتی که مدرس مدرسه یکی از متوقفان مدرسه را بخواهد اخراج کند و فرد مذکور در بیرون رفتن ابا کند یا در رفتن افسال روزه، بر هر یک از طلاب لازم است تا به قدر امکان در اخراج او از مدرسه مدرس را یاری کنند. طلاب در این مورد، نباید با مدرس مدرسه مشاجره و بحث کنند.

۱۱. چنانچه یکی از طلاب که با اذن مدرس در حجره‌ای از حجره‌های مدرسه سکونت کرده است، ۲۰ روز پی در پی به حجره خود نیاید، چه در دارالخلافه - تهران - باشد یا در سفر، جهت سکونت مجدد در آن حجره باید از مدرس اجازه بگیرد.

۱۲. طلبه‌های مدرسه در تحصیل مطلق علوم، اعم از علوم عقلی و نقلی مختارند. حجره‌های مدرسه مخصوص طالبان علوم است، اگرچه فردی در علم طب تحصیل کند. ۳۹



اوقاف، این مدرسه و مسجد خالی از سکنه بود. به همین دلیل، حمام قسمت شمال شرقی و دستشوییهای آن، نشست کرد.

در سال ۱۳۷۳، این مدرسه از سازمان تبلیغات اسلامی گرفته شد. در مردادماه همان سال، از سوی سازمان اوقاف و امور خیریه، آقای محمد جواد کبانی به سمت امین مدرسه و مسجد انتخاب گردید. پس از تصدی آقای کبانی، در سال ۱۳۷۵ با نظر مهندسان سازمان میراث فرهنگی و سازمان اوقاف و امور خیریه، بنای اضافی زاید تشخیص داده شد، و به لحاظ آنکه به ساختمان مدرسه و مسجد صدمه می‌زد و بنای آن را سست کرده بود، تخریب شد. دستشوییها و حمامها نیز به لحاظ نشست مکان آن، تخریب و مجدداً بازسازی شدند.^{۱۱}

از لحاظ نظام آموزشی، این مدرسه به عنوان یکی از مدارس پایه‌ی مدرسه‌ی مروی است. در این مدرسه و دیگر مدارس پایه^{۱۲}، طلاب در سطح اول - که حدود ۶ سال به طول می‌انجامد -، دروس خود را فرا می‌گیرند.

طلاب پس از فراگیری دروس پایه، در سال پنجم - که دروس عالی شروع می‌شود - به مدرسه‌ی مروی می‌روند. مشون درسی این مدرسه و مدارس پایه، سلسله کتابهایی است که از سوی مدرسه‌ی مروی چاپ شده است و عمدتاً بر اساس تلفیق مطالب کتابهای درسی قدیم با روشهای جدید آموزشی است. این کتابها حاوی متنی روان، مثالهایی متناسب با بحث، تمرین و جدول است و در پایان هر درس متخسی از کتابهای قدیم به عنوان بخش تحقیقی قرار دارد.^{۱۳}

وضعیت فعلی و نظام آموزشی

تولیت مسجد و مدرسه در قبل از انقلاب اسلامی بر عهده فردی به نام سالاری بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مسجد و مدرسه مدتی توسط آیت الله حق شناس اداره شد. پس از ایشان، مسجد و مدرسه از سوی سازمان اوقاف و برای تربیت طلاب علوم دینی، به سازمان تبلیغات اسلامی واگذار شد. به همین منظور، از سوی سازمان اوقاف آقایان علی اکبر رشاد - رئیس هیئت امناء - سید علی خاموشی و شکرالله ریاضی به عنوان هیئت امنای مسجد و مدرسه انتخاب شدند. بدین سان تا سال ۱۳۷۳ این امکان در اختیار سازمان



تبلیغات اسلامی قرار گرفت. به هنگام تصدی سازمان تبلیغات اسلامی بر مدرسه و مسجد، ساختمان جدیدی بر روی بنای قدیم مسجد - هم قسمت شرقی و هم قسمت غربی - بنا شد. این بنا علاوه بر تهدید ساختمان قدیم، بر بافت فرهنگی و سنتی بنا نیز خدشه وارد کرد. همچنین، مدتی قبل از تخلیه این مکان از سوی سازمان تبلیغات و واگذاری مجدد آن به سازمان

پانوشها:

۱. باامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، ج ۴، انتشارات زر، تهران، ۱۳۷۱، ج ۳، صص ۲۲۸-۲۳۲
۲. مصطفوی، سیدمحمدتقی، آثار تاریخی تهران، به کوشش میرهاشم مجدث، ج ۱، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۶۱، ص ۳۸۱
۳. همان، ص ۲۱۵
۴. بلاغی، حجت، تاریخ مرکز تهران و مصاحبات، بن تا، بن تا، صص ۱۷۶-۱۷۷
۵. تحقیقات میدانی
۶. آثار تاریخی تهران، ص ۹۶
۷. با سپاس از محقق گرامی جناب آقای صادق الدین شیخ الحکامی که نگارنده را از وجود مواد و فغانما فوق آگاه کرده و بخشی از تحقیقات خویش را در اختیار نگارنده قرار داد.
۸. مطالب استخراج شده بر اساس مواد و فغانما ای است که در کتابخانه مؤزۀ ایران باستان نگهداری می‌شود.
۹. فربه کریم آباد در دهستان غار بخش ری، در ۱۵ کیلومتری جنوب

فرمان ری و ۲ کیلومتری غربی کهریزک قرار دارد.

۱۰. برگرفته از وقفنامه مسجد و مدرسه سپهسالار قدیم

۱۱. تحقیقات میدانی

۱۲. شرح حال رجال ایران، ج ۲، صص ۲۸۸، ۲۸۹

۱۳. تحقیقات میدانی

۱۴. ۱۵. وقفنامه مسجد و مدرسه سپهسالار قدیم

۱۶. معصومعلی شاه، طرائق الحقایق، به کوشش محمدجعفر محبوب،

۱، کتابفروشی بارانی، تهران، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۲۵۸

۱۷. وقفنامه مسجد و مدرسه سپهسالار قدیم

۱۸. تحقیقات میدانی

۱۹. از جمله این مجالس، می‌توان به مجالس ختمی که درمساجد شاه و

سید عزیز الله برگزار شد، اشاره کرد.

۲۰. کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ سببگیری ایرانیان، به کوشش علی

اکبر سعید سیرجانی، ج ۱، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۷، بخش اول،

صص ۳۳۷، ۳۳۸

۲۱. کسروی در کتابش اشاره دارد که تولیت مسجد و مدرسه سپهسالار

قدیم، به حاج میرزا ابوطالب زنجانی واگذار شد. ر. ک: کسروی،

احمد، تاریخ مشروطه ایران، ج ۱۵، انتشارات امیرکبیر، تهران،

۱۳۶۹، ص ۶۲

۲۲. شریف کاشانی، محمد مهدی، واقعات اتفاقیه در روزگار، به

کوشش منصوره اتحاده (نظام مانی) و سیروس سعدوندیان،

۱، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۲، ج ۱، صص ۳۸۳، ۳۸۴ تاریخ

مشروطه ایران، ص ۶۲

۲۳. پنهانی، اقبال، شهید داد آزادی سیدجمال واعظ اصفهانی، ج ۱،

انتشارات نوس، تهران، ۱۳۵۷، ص ۲۳۸

۲۴. تاریخ میدانی ایرانیان، بخش اول، صص ۳۲۲، ۳۲۳

۲۵. دولت آبادی، پهنی، حیات پهنی، ج ۶، انتشارات عطار و رفیعی،

تهران، ۱۳۷۱، ج ۲، صص ۲۱۱، ۲۱۲ تاریخ مشروطه ایران،

صص ۵۲۵، ۵۲۶ واقعات اتفاقیه در روزگار، ج ۱، ص ۱۶۷

۲۶. ملک زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۳، انتشارات

علمی، تهران، ۱۳۷۱، ج ۳، صص ۵۰۳، ۵۰۲

۲۷. وقفنامه مسجد و مدرسه سپهسالار قدیم

۲۸. طرائق الحقایق، ج ۳، صص ۵۰۷، ۵۰۲ شرح حال رجال ایران،

صص ۳۷۹، ۳۸۰

۲۹. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، المآثر والأثار، تصحیح ایرج

افتخار، ج ۱، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۳، صص ۲۱۱، ۲۱۲

۳۰. دیوان یکی، سیداحمد، حلیقه الشعراء، تصحیح عبدالحسن

نویس، ج ۱، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۸۲

۳۱. طرائق الحقایق، ج ۳، صص ۵۰۷، ۵۰۲ شرح حال رجال ایران، ج ۳،

ص ۳۸۰

۳۲. حلیقه الشعراء، ج ۱، ص ۲۸۲

۳۳. شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۳۷۹

۳۴. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، روزنامه خاطرات اعتماد

السلطنه، به کوشش ایرج افشار، ج ۳، انتشارات امیرکبیر، تهران،

۱۳۵۶، ص ۷۰۵

۳۵. المآثر والأثار، ص ۳۰۱

۳۶. استادی، رضا، چهل ساله، ج ۱، کتابخانه آیت الله مرعشی

نجفی، ۱۳۷۱، صص ۶۰۸، ۶۱۰

۳۷. محقق، مهدی، دومین بیست گفتمان (مجموعه مقالات)،

ج ۱، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، تهران، ۱۳۶۹،

ص ۳۷۹

۳۸. تحقیقات میدانی

۳۹. وقفنامه مسجد و مدرسه سپهسالار قدیم

۴۰. تحقیقات میدانی

۴۱. دیگر مدارسی تأیید می‌بارند از: مدرسه مسجد، مدرسه

فتیرعلیخان (ولی عصر (مع))، مدرسه رساله و مدرسه حاج

ابوالحسن معمار باشی

۴۲. میرمحمد صادق، سید سعید، مسجد و مدرسه مروی، مجله

مسجد، سال پنجم، شماره ۲۹، ص ۸۱

